

هادی بهرامی پژوهشگر بازار سرمایه؛

سازمان بورس یا کلبه متروکه؟! بی‌توجهی به سهامداران در روزهای بحرانی

آیا واقعا ما با یک نهاد نظارتی به عنوان سازمان بورس روبه‌رو هستیم یا کلبه متروکه؟ سازمان بورسی که باید همیشه در حال رصد بازار و رسیدگی به دردهای سهامداران باشد، اما به همان حرف‌ها و وعده‌های حمایتی بسنده میکند.

به گزارش خبرنگاران گروه بازار سرمایه گزارش خبر، معلوم نیست پشت پرده چه خبر است؟ آیا واقعا ما با یک نهاد نظارتی به عنوان سازمان بورس روبه‌رو هستیم یا کلبه متروکه؟ سازمان بورسی که باید همیشه در حال رصد بازار و رسیدگی به دردهای سهامداران باشد، اما به همان حرف‌ها و وعده‌های حمایتی بسنده می‌کند. در بهترین روزهای کشور نیز، تصمیمات غلط را بر روی بازار اجرا کردند، روزهای قرمز که دیگر جای خود دارد. در شرایط اضطراری کدام یک از تصمیمات مدیران سازمان نتیجه مثبت داشت که انتظار دارید پول کلان از بازار فرار نکند؟ بهتر است هر چه سریع‌تر کل سازمان بورس را یک کالبد شکافی بکنید، قبل از آنکه مجبور به تخته کردن درب آن شوید!

به گفته رئیس کمیسیون سرمایه گذاری و تامین مالی اتاق بازرگانی ایران، در جلسه‌ای که در حضور مسعود پزشکیان، رئیس جمهور برگزار شد، محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی قول داد در چارچوب درخواست‌های سازمان بورس، نسبت به تامین منابع مورد نیاز اقدام کند و تاکید کرد بانک مرکزی در مسیر پشتیبانی از بازار سرمایه همراهی خواهد کرد. اما مسئله این است که چه زمانی اقدامات لازم صورت خواهد گرفت؟ اگر قرار است پس از اینکه شاخص کل بورس کانال یک میلیون و ۷۰۰ هزار واحد را هم از دست داد، تازه به فکر تزریق چند همت پول بیفتید، سهامداران راضی به زحمات و الطاف شما نیستند و بهتر است تا زمانی که اوضاع آرام شده و ریسک‌های سیستماتیک کاهش پیدا کند، معاملات سهام و صرفا صندوق‌های وابسته به آن را متوقف کنید!

نگران تامین منابع نباشید؛ خزانه بانک مرکزی پر است!

براساس آمارهای رسمی منتشر شده توسط بانک مرکزی، میزان اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی و بازار بین بانکی تا پایان دی ۱۴۰۳ به حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. این رقم معادل حدود ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور است. چطور است که بانک مرکزی ۸۰۰ همت پول برای حمایت از بانک‌های ورشکسته و زیانده دارد، اما وقتی صحبت از تزریق منابع به بازار بورس می‌شود، عقب نشینی میکند؟ همت به همت سپرده‌های مردم را به املاک و مستغلات اختصاص داده‌اید، چند صد همت زیان انباشته به بار آورده‌اید، با دلار زیر ۵۰ هزار تومان ۶۰ تن شمش وارد کردید با دلار ۹۲ هزار تومان ربع سکه حباب دار به مردم فروختید، حداقل حالا اندکی از خزانه خود را صرف حمایت از بازار بورس کنید بلکه پرتفوی سهامداران بیش از این غرق در زیان نشود و آبروی بازار سرمایه کشور نیز، بیش از این نرود.

تامین مالی ریالی؛ حمایت سوگولی‌های دلاری

پس صندوق توسعه و تثبیت بازار به چه دردی می‌خورد؟ آیا واقعاً چند همت پول ندارد که از سهام شرکت‌های کوچک و کم‌ارزش حمایت کند؟ قسمت دردناک ماجرا این است که حمایت‌هایشان هم اصولی و با تعقل نیست؛ از بین این همه شرکت کوچک (گاه‌ها با ارزش بازار کمتر از ۵۰۰ میلیارد تومان) که عملاً نقدشونده نیستند و به معنای واقعی پول آبشده سهامداران در خطر است، می‌روند اندک منابع دریافت شده را به شاخص‌سازهای اغلب دلاری تزریق می‌کنند! آقایان مسئول و بازارساز، سهام شرکت‌های پتروشیمی، فولادی یا بانکی نیاز به حمایت ندارند، بیشتر نیاز به اصلاح ساختار معاملاتی دارند؛ شما بروید شرکت‌هایی را که ارزش معاملات زیر یک میلیارد تومان دارند را پیدا کنید.

آیا سازمان بورس، بانک آینده دهم خواهد شد؟

مسیری که سازمان بورس در پیش گرفته، بانک آینده و برخی از نهادها سال‌ها قبل از ورشکسته شدن و نابودی سرمایه مردم در پیش گرفته بودند؛ چراکه تصمیمات غلط و سهل‌انگاری‌ها، منجر به زیان هر چه بیشتر سهامداران و منحرف شدن بازار از مسیر خود می‌شود. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار درباره اقدامات انجام شده برای صیانت از دارایی سهامداران گفت: حمایت‌های تدریجی از سهامداران خرد آغاز شده و دولت و بانک مرکزی نیز در این حوزه کمک می‌کنند. جناب صیدی؛ با عنایت به شرایط اضطراری پس از جنگ دوازده روزه و صف‌های فروش سنگین سهام، کار از حمایت تدریجی گذشته است، هر روزی که شما صحبت از حمایت می‌کنید، چند هزار میلیارد تومان پول از بازار سالم و مولد کشور خارج می‌شود. نگرانی سهامداران خرد از این است، شما و بانک مرکزی و تشکیلات مربوطه زمانی اقدام به حمایت کنید که شاخص‌های بورس به چاه نفت رسیده باشند!

سازمان بورس، نقدشوندگی را زیر سوال می‌برد!

بهتر است یادآوری کنیم، یکی از ویژگی‌های بارز بازار سرمایه هر کشوری، اصل نقدشوندگی آن است که همین مورد معاملات اوراق بهادار، صندوق‌های

سرمایه گذاری و سایر اوراق را نسبت به سایر دارایی‌ها جذاب‌تر می‌کند و ریسک نقدشوندگی را کاهش می‌دهد. در روزهای سرسبز بازار، ارزش معاملات گاه‌ها به زیر ۳ همت میرسد، در روزهای قرمز هم به بیش از ۳۰ همت افزایش پیدا می‌کند که تقریباً کل پول در قالب صف فروش است! شما که با تصمیمات خود و ساختار ناسالم بازار سرمایه، ارزش معاملات را تا به این اندازه پایین آورده و ریسک نقدشوندگی سهام شرکت‌های کوچک را به میزان قابل توجهی افزایش داده‌اید؛ دیگر توقف معاملات صندوق‌های سرمایه‌گذاری چه معنایی دارد؟

در بورس کدام کشوری معاملات ETFهای درآمد ثابت را به ۲ ساعت در روز محدود می‌کنند که شما این استراتژی را در بورس ایران پیاده کردید؟ این را همه می‌دانیم حتی اگر شرایط جنگی باشد، توقف معاملات صندوق‌های طلا، زعفران، جسران و املاک اشتباه محض است! طلا که به عنوان یک دارایی ریسک‌گریز و امن شناخته می‌شود و از خود سازمان بورس گرفته تا انواع نهادهای مالی و واسطه‌گری بورس وعده نقدشوندگی و دسترسی راحت به این دارایی را می‌دهند، با تصمیم اشتباه مسئولین و مدیران سازمان بورس، این اصل به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود. اگر مسئله تنها اوراق بهادار شرکت‌ها بود، توقف معاملات آن نه تنها هنگام جنگ، بلکه پس از جنگ هم به صلاح همه سهامداران است؛ اما صندوق‌های طلا که دیگر ربطی به معاملات سهام ندارند، پس چرا معاملات آن هم متوقف شد؟

لطفاً بیش از این، آبروی بازار سرمایه کشور را نبرید!

به منفعت طلبی، تصمیمات غلط و سهل‌انگاری‌هایتان ادامه دهید، اما فراموش نکنید که این آتش پس از نابودی کامل پرتفوی سهامداران، دامن خودتان را هم خواهد گرفت! چند برابر کارمزدهای گرفته شده را با سلب اعتماد سهامداران خرد، در اوج کاپیتولاسیون و روندهای فرسایشی (رکود مطلق) بازار بورس، پس خواهید داد. تعداد سهامداران خرد به رقم یک میلیون و ۴۸ هزار و ۲۰۴ نفر رسیده که دست و پا شکسته در حال فعالیت هستند؛ اگر ساختار بازار (از حجم مبنا و دامنه نوسان گرفته تا محدودیت‌های دست و پا گیر معاملاتی) را اصلاح و حمایت‌ها را با جدیت آغاز نکنید، همین تعداد سهامدار خرد نیز، کاهش پیدا خواهد کرد که در این صورت، بازار کلیه ارکان‌ها از سازمان بورس گرفته تا نهادهای واسطه‌گری مالی کساد خواهد شد.

هدف ۴۰۰ میلیارد دلاری بازار بورس تنها با ساختار درست معاملات و حمایت همه جانبه نهادهای پولی و مالی بزرگ امکان‌پذیر است، وگرنه هیچ کشوری با اقتصاد بانک محور نتوانسته از تولید و بازار مولد بورس حمایت کند. طی ۵.۵ سال اخیر، از ارزش بازار ۴۱۶ میلیارد دلاری در سال ۱۳۹۹ به ۱۰۵ میلیارد دلار امروز رسیده‌ایم. دیگر آبرویی برای این بازار نمانده؛ تنها با یک چهارم ثروت ایلان ماسک می‌توان کل بورس کشور را با مدیران و مسئولانش یکجا خرید! طی یک هفته اخیر، شاخص کل بورس از زمان بازگشایی معاملات به میزان ۲۳۲ هزار واحد سقوط کرده و ۱۸ میلیارد دلار پول کلان با فشار هر چه بیشتری از بازار خارج شده است که عملکرد سازمان بورس و بانک مرکزی در این مدت، مطلوب به نظر نمی‌رسد.

منبع: بورس نیوز